* **سایر تئوریها**: نظریاتی هستند که با نظریهٔ مکانیزم مخالفند. در اینجا آنها را لیست می‌کنیم. اینها شامل تقدسگرایی، اندامگرایی، و عقیدهٔ بیولوژیکی (زیست‌شناسی) "فرورت" و همینطور نظریهٔ غالب کوانتم مکانیک. تقدسگرایی: (Holism) تقدسگرایی تزی است که کل‌ها، یا حداقل بعضی کل‌ها، بیشتر از جمع اعضادشان هستند. این پیشنهاد می‌کند که "کلها" خواصی دارند که نمی‌توان برحسب خواص اجزاء آنها توضیح داد. چیزی اضافی درگیر قضیه است. کل‌گرایی تز تقدسگرایی را می‌پذیرد و آنرا با مفهوم سلسله مراتبی طبیعت وجود توضیح می‌دهد. چون تنها "کل" خداست. هر چیز دیگری نیمه مستقل و زیرکل خداست. ~~چون تنها کل واقعی خدا~~ کل‌گرایی این زیرکلها را هولون (wholon) می‌نامد. سلسله مراتبی که آنها می‌سازند Wholarchy نامیده می‌شود. هر هولونی خودش کل است چراکه ~~سطح~~ مرتبه‌ای در wholarchy دارد. امّا خود قسمتی از یک کل بزرگتر را در سطحی بالاتر می‌سازد و خود از زیرهولونها در سطوح زیرین ساخته می‌شود. اندامگرایی (organicism): اندامگرایی که تفسیر خاصی از تقدسگرایی است، بر پایهٔ مشابهت با سیستمهای پیچیده در حالت عام بنا شده، که ما آنها را اندام (organisms) می‌نامیم. حال یک قسمت از "اندام" طبیعت، عمل، شاخصه، و حتی وجود خود را با جدا شدن از ارتباط ارگانیکی خود با سایر "اندام"ها از دست می‌دهد. لذا اندامگرایی پیشنهاد می‌کند که برخی یا همه کل پیچیده، در حالیکه توسط مردم بعنوان موجودی زنده شناخته نمی‌شود، نوعی اتحاد سیستماتیک دارد که شاخصهٔ چیزی است که ما آنرا اندام زنده می‌نامیم. وابستگی (interdependence) یک اندامگان (organism) با یک مکانیزم صرف یا یک تودهٔ متراکم متفاوت است چراکه بر طبیعت و هستی اجزاء آن در کل وابسته است. برای مثال بازو فقط وقتی یک بازو است و کار بازو را انجام می‌دهد که با بدن زنده متحد باشد. تشابه ارگانیکی نه تنها بر این دلالت دارد که اجزاء یک کل با روابط درونی آن ارتباط دارند بلکه بر این نیز دلالت می‌کند که "کل" یک شاخصهٔ دورگردش زندگی یا دورهٔ توسعه و نمو آن را نیز داراست، درست مثل آنچه که ~~اندا~~ اندامگانها انجام می‌دهند. (خانم طیبی: اصلاح زیر را در متن وارد کنید: "اندام" باید به "اندامگان" در متن تبدیل شود. ترجمهٔ organism اندامگان است که اشتباهاً اندام ترجمه شده) کل‌گرایی می‌پذیرد که هر هولون (اندامگان) یک وجود زنده است. هر هولونی زندگی را از هولونی که بالاتر از آن قرار دارد می‌گیرد و نیز خود به هولونهای زیرین خود که در واقع اجزاء آن هستند زندگی می‌بخشد. فرورت Emergence: "فرورت" عقیده‌ای است که پیشنهاد می‌کند یک سیستم منظم طبقه‌بندی شده، که معمولاً سیستمهای بیولوژیکی چنین هستند، در ردیفی از سلسله مراتب چیزی نو و تازه (novelty) که اصلاً قابل پیش‌بینی از روی وقایع قبلی نیست رخ دهد. "هوشیاری" برای مثال از تکامل علل اولیه بیرون می‌آید. یک فکر با حرارت و گیج کننده این اندیشه را فرا می‌گیرد که "فرورت" نوعی ~~تکامل~~ استراتژی تکاملی است که آمدن "تازگی" (novelty) ها را توضیح می‌دهد. کل‌گرایی پیشنهاد می‌کند که عقیدهٔ "فرورت" تنها در صورتی آشکار می‌شود که نوعی اعتبار برای خلقتی بسوی بالا از پیچیدگی کمتر به پیچیدگی بیشتر، داشته باشیم. اگر چنین اعتباری ندهیم و خلقت همیشه از بالا به پایین باشد سؤالی برای "فرورت" و یا "تازگی" پیش نمی‌آید. کوانتم مکانیک (Quantum Mech.): کوانتم مکانیک که در سال ۱۹۲۰ بنا شد یک سیستم از مکانیک است که بر دوگانگی موج-ذره برای تشعشع و ماده استوار است. این علم باید برای سیستمهای خیلی کوچک که مکانیک نیوتونی یا حس مشترک (commonsense) نقض می‌شود استفاده شود. تقسیم‌بندی تشعشع-ماده (Radiation_Matter) مشکل قبلی بدن-فکر یا ماده-روح را که در ابتدای همهٔ سؤالات انسان قرار دارد یادآوری می‌کند. اصل عدم قطعیت (Uncertainty Prrinciple) در حالیکه در فیزیک کلاسیک حالت یک سیستم بطور قطع با تعیین دقیق و همزمان تمام متغیرهای دینامیکی آن، مکان، ممنتم، انرژی و غیره تعیین می‌شود، اصل عدم قطعیت اذعان می‌کند که این کار برای سیستمهای با ابعاد کوچک قابل انجام نیست. لذا در سطح اتمی قطعیت کامل از بین می‌رود و در مکانیک کوانتمی سیستمها با دادن میزان احتمال مقادیر مکان، ممنتم و غیره توصیف می‌شوند. اصل عدم تعین (Indeterminism): این اصل آنطور که با کوانتم مکانیک فهمیده می‌شود مباحثات زیادی را ایجاد کرده. برای مثال انیشتین نوشت "خداوند در جهان تاس نمی‌اندازد". سایرین سعی کرده‌اند تا تئوریهائی بسازند که در آن متغیرهای پنهان در ابعاد بسیار ریزی عمل کنند تا بتوان ممنتم دقیق را وقتی اتمی تشعشع می‌کند یا هسته‌ای کاهش می‌یابد (decay) تعیین کرد. این تئوریها بر این دلیل بنا شده‌اند تا شاخصهٔ احتمالی یا اتفاقی بودن را از چنین وقایع غیر قابل تعیینی بردارند. جدای شکلهائی که در اصول بنیادی چنین تئوریهائی وجود دارد، مکانیک کوانتمی با حجم بسیار بزرگی از آزمایشات تأیید شده و بالواقع باید بعنوان یکی از بزرگترین حقیقتهای عام فیزیک تلقی شود.